

## غوریها یا سوریا

نبلی ملکا که يك دهنه شاهان کوچک دیگر است هم از ایشان تأسی نموده و تصویر اورادوی مسکوکات خود نقش کرده بودند. قرار نظریه همین مدقق بتی که عبدالرحمن بن سمره در معبد زور در کوه اوزور دیده همان شونای منذ کر و زایر چینی است و عبارت از رب النوع آفتاب می باشد که از کاپیسا گرفته تاوادی هیرمند پیروان زیادی داشت مشارالیه به ملاحظه می رساند که طلا و لعل حاکی از ازلو و نور افشانی است که مخصوص رب النوع آفتاب می باشد.

لوستر انج معبد معروف زور را در نزدیکی شهر درتل قرار می دهد و اصطخری آنرا بنام (تل) و مقدسی به اسم داور یاد می کند و از شهر بست سه روز راه دورتر در دامنه های کپسار زمین داور و در حوضه علیای هیرمند وقوع داشت (۱) از روی سطور فوق بر می آید که شاید کیش مردم (زور) (۲) هم قبل از اسلام پرستش آفتاب بوده است. منهاج السراج هم در خلال نوشتجات خوراز بتکده های قدیم غوری ها یاد آوری می کند پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

درین مورد این مسئله هم قابل غور است که غوری ها اکثر اویا تما ما چه وقت بدین اسلام مشرف شده اند و یا به عکس تا چه هنگام باشند گان حصص مر کزی آن ناحیت پیرو دین سابق بوده اند درین باره اقوال سیفی و امثال او را مختصراً دیدیم به همان سلسله بار تولد در جغرافیای تاریخی خود درین باره می نویسد که جغرافیه نویسان قرن دهم غور را یگانه ولایتی می نامند که از هر طرف به ممالک اسلامی محاط و با اینحال سکنه آنها کافر بودند ... بقول اصطخری

صاحب حدود العالم نیز در هنگام ذکر زمین داور از تل چنین یاد میکند ... زمین داور ناحیت است آبادان و بر سر حدات میان غور و بست و او را دوشهر است تل و در غر و این مردود نغرنند بر روی غور ...

(۱) انیس سال (۱۳۲۱) شماره (۱۹۰) صفحه (۲).

(۲) راجع به (زور) و (زوزی) و ارتباط آن با نام سور و سوری در صفحات گذشته بحث راندم

(۲۷۵) در زمان سامانیان از اهالی غور فقط کسان پیرو اسلام بودند که در جوار ممالک اسلامی سکونت داشتند (۱)

صاحب حدود العالم پادشاه غور را غور شاه خوانده و او را تابع گوزگان دانسته و نوشته است که اندر قدیم این ناحیت غور و همه کافران بودند و اکنون بیشتر مسلمانند.

این حوقل هم عیناً دره ورد اسلام و کفر باشند گان غور با اصطخری که غور را دارالکفر خوانده است هم نظر است و مردم سرحدات غور را که با مسلمانان هم جوار بوده اند مسلمان خوانده است. مینورسکی در تعلیقات خود بر حدود العالم بالای گفته مؤلف کتاب تبصره کنان می نویسد که این گفته صاحب حدود العالم که مردم غور «اکثر» مسلمانان بودند سخنی است مبالغه آمیز چه اگر اکثر مسلمان می بودند هرگز در مقابل حملات محمود کبیر چنان مقاومت از خودشان نمی دادند و شارالیه به استقامت و پافشاری از حد گذشته اهالی غور علیه فاتح کبیر استناد ورزیده بر این قول صاحب حدود العالم هم انتقاد می کند که غور شاهان را مطیع آل فریغون میدانست چنانچه به وضاحت می نویسد: استقامت لجوجانۀ اهالی غور علیه محمود، این مسئله را که تقریباً چهل سال قبل غور شاه بدون مقاومت خاکمیت و نفوذ حکمران محلی گوزگان را پذیرفت همچنان مشکوک به نظر جاوه می دهد.

بنا بر آن از خلال نظریات فوق این قدر میتوان قیاس نمود که اهالی غور بهرور زمان چنانچه گفته آمدیم متدرجاً بدین اسلام مشرف شدند و شاید جمیع ایشان بعد از انقضای دوره سلطنت محمود و همچنان بعد از ایام امارت شهزاده مسعود مسلمان شده باشند که از آن جمله ایالات اطراف و نواحی آن در اثر فشار و مجاهدات مسلمین (سلطان محمود و مسعود) و حصص مرکزی آن خود بخوردیانت مبین اسلام را متقبل شده اند که بعداً خود از جمله ناشرین و مبلغین بزرگ اسلام بشمار رفتند و در حصه انتشار آن خدمات فراموش ناشدنیئی از خود بروز دادند.

(۱) ترجمه فارسی کتاب مذکور چاپ ایران حصه غور